

نگاه CNN Money، آتلانتا

دردسر نفت ارزان

تأثیرگذاری ایران بر قیمت‌های نفت مثل یک خیابان دوطرفه است. همان‌طور که هر گونه درگیری میان ایران و کشورهای همسایه آن می‌تواند بر قیمت نفت اثرگذار باشد، این مسأله حتی می‌تواند ایران را پای میز مذاکره با جامعه بین‌الملل بر سر برنامه هسته‌ای بکشاند و موافقت ایران با انجام مذاکره می‌تواند قیمت جهانی نفت را در ماه‌های آینده همچنان پایین نگه دارد.

بر این اساس، قیمت فعلی نفت (حدود بشکه‌ای ۷۵ دلار) آسیبی جانی به اقتصاد ایران وارد می‌کند و این کشور که چهارمین صادرکننده نفت خام جهان به شمار می‌رود، برای رسیدن به ثبات در سال آینده نیازمند نفت بشکه‌ای ۱۰۰ دلار است.

به گفته برخی تحلیل‌گران، اگر قیمت نفت طی چند ماه آینده در سطوح فعلی باقی بماند و یا حتی کمتر شود، می‌تواند برای ایران در عرصه بین‌المللی دردسر ایجاد کند و این کشور را در آینده‌ای نزدیک به مذاکره با آمریکا و دیگر قدرت‌های غربی برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای آن کشور سوق دهد. حصول هر گونه توافق احتمالی نیز حداقل به کاهش تحریم‌های تجاری که مشکلات اقتصادی ایران را تشدید کرده، منجر خواهد شد. اگر این اتفاق به حقیقت بپیوندد، بی‌شک قیمت نفت در منطقه خاورمیانه به ثبات خواهد رسید. از طرفی، عربستان سعودی که در پاسخ به کاهش شدید تقاضا، عرضه نفت خود را در بازارهای جهانی کاهش داده بود، در صورت افزایش نجومی قیمت نفت، میلیون‌ها بشکه خود را وارد بازار خواهد کرد، زیرا هم قصد جلوگیری از بروز بحران اقتصادی دیگری را دارد و هم نمی‌خواهد رقیبش در منطقه از قیمت بالای نفت بهره‌بردار.

مشکلات اقتصادی ایران به همین جا محدود نمی‌شوند، چرا که تحریم علیه سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نفتی ایران مشکل دیگری است که اقتصاد این کشور را در تنگنا قرار داده است. علاوه بر این، تصمیماتی که متحدین آمریکا در ارتباط با بازار صادراتی نفت خام اتخاذ می‌کنند، تبعات منفی دیگری برای ایران به همراه می‌آورد. به عنوان مثال، پالایشگاه جدیدی در چین به دست شرکت اکسان موبیل و آرامکو عربستان در حال احداث است. به طور قطع حضور شرکت سعودی در این پروژه، به این معنی است که نفت این پالایشگاه را عربستان تأمین خواهد کرد، نه ایران.

حال آمریکا منتظر نشسته تا ببیند حجم این مشکلات می‌تواند ایران را به تسلیم در برابر برنامه هسته‌ای وادار یا خیر؟

صدور مجوز صادرات به شرکت‌های آلمانی - که به منظور اهداف دوگانه نظامی و غیرنظامی بوده است - را دلیل این اتفاقات می‌دانند. با وجود این سختگیری‌ها دفتر مرکزی کنترل اقتصاد و صادرات آلمان پیش‌بینی کرده است که احتمال دارد شرکت‌های آلمانی به دلیل این محدودیت‌ها به یک کشور سوم روی آورند. البته این پیش‌بینی از آنجا نشأت می‌گیرد که مدیر یکی از شرکت‌های تجاری آلمان در ایران این گفته را تأیید کرده است. به گفته وی دُبی بزرگترین شریک تجاری ایران است و می‌تواند جایگاه مناسبی برای تجارت شرکت‌های آلمانی باشد. ■

برگه سفارشات خود و تکمیل قراردادهای منعقد شده در دو سال آینده که بیشتر آنها پروژه‌های زیربنایی هستند، از ایران خارج خواهد شد. گفته می‌شود که این اظهارات پیتر لوشر، همزمان با سفر رسمی شیمون پرس به برلین مطرح شده، اما سخنگوی این شرکت دلیل این ادعاها را ناچیز بودن حجم تجارت زیمنس در ایران اعلام کرده، به طوری که آن را تنها ۰/۷ درصد از کل فروش و معادل ۵۰۰ میلیون یورو دانسته است.

البته بسیاری از تحلیل‌گران، سختگیری‌های گمرک آلمان بر این شرکت و ایجاد محدودیت‌های

نگاه Business Monitor International، لندن

سناریوهای تورمی

با هدفمندی یارانه‌ها، مردم ایران منتظر نرخ تورم ۴۰ درصدی باشند.

تورم و تحریم

می‌توان گفت دلیل عمده سقوط نرخ تورم در ماه‌های اخیر، رکودی بوده است که در اقتصاد داخلی ایران در سایه کاهش شدید قیمت‌های نفت از نیمه دوم سال ۲۰۰۸ به وجود آمده است. رشد محصول ناخالص داخلی این کشور در سال‌هایی که گذشت ۱/۶ درصد ارزیابی شده، اما پیش‌بینی می‌شود این نرخ در سال آینده ولو به کندی افزایش داشته و به ۳/۳ درصد برسد. این پیشرفت اقتصادی، فشار افزایشی بر نرخ تورم وارد خواهد کرد. بزرگترین ریسکی که برای چشم‌انداز تورم ایران



وجود دارد، برنامه دولت برای کاهش یارانه‌های وضع شده بر سوخت، غذا و دیگر کالاها است که طبق ارزیابی‌ها، سالانه حدود ۹۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار (بیش از ۳۰ درصد محصول ناخالص داخلی) هزینه بر دولت تحمیل می‌کند. بسیاری معتقدند که اجرای این طرح می‌تواند تورم ایران را به بیش از ۴۰ درصد افزایش دهد.

علاوه بر آن، تحریم‌های احتمالی آمریکا یا سازمان ملل می‌تواند به کمبود عرضه کالاهای اساسی بی‌انجامد که این موضوع عواقب تورمی به دنبال خواهد داشت. در واقع، آسیب‌پذیری ایران نسبت به تحریم واردات بنزین - که ۳۰ تا ۴۰ درصد مصرف داخلی را تأمین می‌کند - بدین معنی است که اگر این تحریم‌ها عملی شوند، قیمت داخلی سوخت و متعاقباً دیگر کالاهای اساسی به شدت افزایش خواهد یافت. ■

پس از این که نرخ تورم مصرف‌کننده (CPI) ایران در اواخر سال ۲۰۰۹ به کاهش قابل ملاحظه‌ای رسید، انتظار می‌رود این نرخ در طول سال ۲۰۱۰ به تدریج افزایش یابد. در ماه‌های نوامبر و دسامبر ۲۰۰۹ نرخ CPI به رقم سالانه ۷/۴ درصد رسید و انتظار می‌رود تا پایان سال ۸۸ شمسی به ۱۰ درصد برسد و در نهایت، میانگین آن در کل سال ۸۹، ۱۱/۵ درصد باشد. پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که نرخ تورم به محض دو رقمی شدن، مدت‌ها به همین صورت باقی می‌ماند، اما در مدت پیش‌بینی شده به رقم نجومی ۲۰ تا

۳۰ درصد سال ۲۰۰۸ نخواهد رسید. لازم به ذکر است که پیش‌بینی‌های صورت گرفته، بدون در نظر گرفتن ریسک اجرای طرح جدید دولت ایران برای حذف یارانه‌های انرژی است.

از سوی دیگر، قیمت کالاهای مصرفی در مدت سال ۲۰۰۹ افزایش داشت و کارشناسان افزایش بیشتر آن را در سال ۲۰۱۰ پیش‌بینی می‌کنند. به علاوه، چشم‌انداز نسبتاً خوبی در مورد قیمت جهانی نفت وجود دارد. انتظار می‌رود میانگین قیمت سبب نفتی آپیک در سال ۲۰۱۰ بشکه‌ای ۸۳ دلار باشد. افزایش قیمت نفت در سال آینده که فروش آن حجم گسترده‌ای از صادرات ایران را به خود اختصاص می‌دهد، نقدینگی داخلی را افزایش داده و امکان اعمال سیاست‌های انبساطی بیشتر را به دولت می‌دهد. این اقدام، با وجود کسری‌های دولت در چند سال گذشته، وضعیت تورم را بدتر کرده است.